



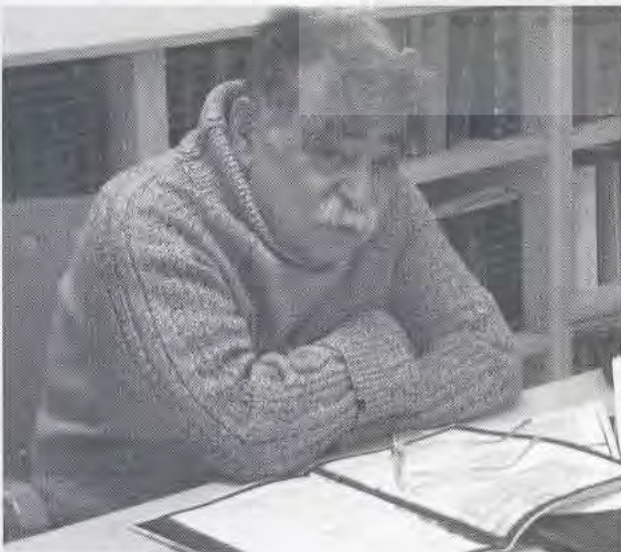
گفت و گو

گفت و گو با استاد عبدالله انوار

مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای طرح گردآوری تجارب اساتید فهرست نگاری مصاحبه‌ای را با استاد سید عبدالله انوار در روز جمعه بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۸۵ ترتیب داده است که گزیده بخشی از این گفتگو را پس از این خواهیم دید. سرکار خانم افکاری، آقایان احمدرضا رحیمی ریس، ناصر گلباز و علی صفری آق قلعه در این گفت و گو شرکت داشتند.

هست به نام حاج خراس که شخصی غیرقابل تحمل است و کار کردن با او بسیار دشوار. خلاصه با کلی دردسر ما شناخت کاغذ را از ایشان آموختیم. البته در این مورد، اول اطمینان حاصل کردیم که آنچه می‌گوید صحیح است و بعد که مطمئن شدیم، این اطلاعات را استفاده کردیم. نحوه اطمینان حاصل کردن از این اطلاعات هم بدینگونه بود که در چند مورد گفته‌های او را با همان دفتر سلطنتی مطابقت دادیم و بعد از مقایسه مشخص شد که صحیح می‌گوید.

رحیمی ریس: این موضوع مربوط به چه سالی است و نحوه انتقال این تجربیات چگونه بوده؟
استاد: زمان آن حدود سال چهل شمسی بود. اینگونه از



خانم افکاری: برای ورود به مطلب، فکر می‌کنم بد نباشد از میان بخش‌های متعدد فهرست نویسی ابتدا راجع به بخش نسخه‌شناسی بفرمائید.

استاد انوار: چنانکه در یکی از شماره‌های نشریه نامه بهارستان نیز نوشته‌ام، شناسایی کاغذ را از یکی از صحافان قدیمی تهران به نام حاجی خراس آموختم. چنانکه می‌دانید بخشی از کتاب‌های خطی کتابخانه ملی در حقیقت کتابهایی است که از کتابخانه سلطنتی یعنی همان کتابخانه کاخ گلستان به آنجا منتقل شده است و مادقترچه‌ای سیاهه وار از این کتاب‌ها داشتیم که نوشته کتاب‌شناسی‌های قدیمی دوره قاجار مانند مرآت الممالک بود. این دفتر سلطنتی دارای چهار - پنج ستون بود که در یکی از این نوع کاغذ را نوشته بودند. همچنین اطلاعاتی دیگر نیز مانند رنگ جلد و غیره در آن ثبت بود که البته بسیاری از آنها مانند رنگ و نوع جلد قابل تشخیص و مطابقت بود. اما خصوصاً در مورد کاغذ نمی‌دانستیم این نامگذاری‌ها دقیقاً بر چه اساسی انجام شده به همین دلیل من از مرحوم مینوی در این باره سؤال کردم. گفتند که من در این مورد چیز زیادی نمی‌دانم و با این موارد آشنایی دقیق ندارم؛ بهتر است در میان صحاف‌های قدیمی بگردی. شاید کسی را پیدا کنی که در این مورد اطلاعاتی داشته باشد.

یک صحافی بود در خیابان سعدی به نام بادرام‌پور، من نزد ایشان رفتم و پرسیدم که آیا شخصی را می‌شناسید که در این زمینه اطلاعات داشته باشد؟ او گفت که: پیرمردی

اطلاعات به هر حال مواردی تجربی هستند که باید نزد شخص خبره آموخته شود و معمولاً بدون رابطه آموزش دهنده و آموزش گیرنده انتقال آنها دشوار و گاه غیرممکن

است و البته خود آن روشهای شناسایی هم تجربی است ولی حالا ظاهراً با روشهای جدیدتر و بهره‌گیری از تشعشعات اتمی اینگونه موارد را تشخیص می‌دهند. البته در این که فلان کاغذ، مثلاً کاغذ سمرقندی حتماً در سمرقند تولید شده جای بحث هست. نظر استاد افشار هم این است که: معلوم نیست مثلاً کاغذ

اصفهانی حتماً ساخته شهر اصفهان باشد و این درست است چرا که مثلاً کاغذ بخارایی را در اصفهان هم با همان ترکیب و فرمول تولید می‌کردند.

گلباز: پس نتیجه می‌گیریم که در حال حاضر بهترین راه همان بررسی در آزمایشگاه است چرا که می‌توان از این طریق، این اطلاعات را هم وارد روند آموزش نمود.

رحیمی ریشه: یا به عبارتی بهره‌گیری از امکانات آزمایشگاهی و مطابقت آنها با دفاتر ثبت و فردهای قدیم و همچنین یادداشت‌های عرضی که در خود نسخه‌ها دیده می‌شود.

استاد: بله. دفترهای کتابخانه سلطنتی که گفتم اشخاصی مانند مرآت الممالک و دیگر کتابداران معروف نوشته‌اند اینها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و بعد اطلاعات مورد لزوم از آنها استخراج شود.

رحیمی ریشه: در این مورد یک بار آقای افشار متذکر شدند که چنین فردهایی نزد برخی مجموعه داران وجود داشته و دارد و یکی از بهترین راهها مراجعه به همین فردها است.

استاد: بله خاطر من هست که مرحوم بیانی از هر کدام از این کاغذها یک نمونه را گردآوری کرده بود و با گیره‌هایی به هم وصل کرده بود تا نمونه‌ای از این کاغذها با تعیین مشخصات آنها در دست باشد.

گلباز: ظاهراً آن را مستوره می‌نامیدند.

استاد: بله مستوره.

گلباز: پس این نمونه‌ها باید در آرشیو بیانی باشد.

استاد: نمی‌دانم چرا که این را من خودم از بیانی نشنیدم

بلکه از صفا [ظ: ابراهیم صفا] شنیدم.

صفری: اگر خاطرتان باشد استاد منزوی در مصاحبه‌ای که با ایشان ترتیب داد شده و شما نیز در آن شرکت داشتید. و در کتاب زندگینامه ایشان توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نیز چاپ شده (ص ۳۵). از نمونه‌ای که استاد عبدالحمید مولوی فراهم آورده بود یاد کرده‌اند و متذکر شده‌اند که این نمونه‌ها را در منزل استاد دانش پژوه دیده‌اند.



علی صفری

استاد: بله این نمونه‌ها را برخی علاقه‌مندان گردآوری کرده بودند. ولی الان نمی‌دانم که آیا چنین نمونه‌هایی در جایی هست یا نه. اما فکر می‌کنم بهتر است همان روش‌های آزمایشگاهی را برای شناخت این موارد استفاده کنیم.

گلباز: با توجه به آنچه گفتید

فکر می‌کنم بتوان به این نتیجه

رسید که جنابعالی بخشی مهم از فهرست نویسی را به صورت تجربی آموخته‌اید؛ چندی پیش هم که ما نزد استاد افشار بودیم ایشان نیز متذکر شدند که برای فهرست نویسی، دوره و کلاس خاص ندیده‌اند و این کار را بیشتر با همصحبتی اساتید و استمرار حضور در محضر آنها آموخته‌اند.

استاد: بله قاعدتاً هم همینطور است و بنده نیز کلاس کتابداری ندیده‌ام ولی هم کار فهرست نگاری خطی را آموختم و فهرست چاپی‌ها را؛ چون در کتابخانه ملی فهرست نویسی پنجاه هزار کتاب چاپی را تحت نظر من قرار دادند و آنجا کار را خوب آموختم اگر چه الان نمی‌دانم روش‌های فهرست نگاری کتاب‌های چاپی چگونه است. ما آن زمان از روش LC استفاده می‌کردیم و حالا شاید فرم‌ها تغییر کرده باشد. آن موقع حتی ما تصحیحاتی روی این سیستم اعمال کردیم و در آن دست بردیم و اصلاحش کردیم.

خانم افکاری: پس شما هر دو را به صورت تجربی آموخته‌اید؟

استاد: بله. البته در بعضی موارد کار آنچنان آموزشی نمی‌خواست. مثلاً کارهای نسخه‌شناسی مثل اندازه‌گیری‌ها و غیره آموزش خاصی نمی‌خواهد. ولی در مورد مسائل کتابشناسی همیشه از نظرات مرحوم مینوی

استفاده می‌کردم. حتی در مورد نسخه‌های فقهی و دینی که معرفی می‌کردم کار را به سید عبدالعزیز هم نشان می‌دادم...

افکاری: منظور سید عبدالعزیز طباطبایی است؟
گلباز: همان «آقا عزیز».

استاد: بله این کتابدار نجف بود.

گلباز: کتابدار شیخ آقا بزرگ تهرانی بود.

استاد: بله کتابدار شیخ آقا بزرگ تهرانی. ایشان (سید عبدالعزیز) می‌آمد و تمام فهرس نسخه‌های فقه و اصول را که من نوشته بودم بررسی می‌کرد؛ یعنی بنده این‌ها را در اختیارش قرار می‌دادم و او هم بسیار شایق بود چرا که از این اطلاعات برای کارهای خودش نیز استفاده می‌کرد و برای دیدن نسخه‌های متعدد در این زمینه بسیار مشتاق بود و فهرس من را می‌دید و همه را می‌گفت خوب است.

صفری: آیا اینکه برخی عقیده دارند فهرست هر مجموعه‌ای باید فقط یک بار و به صورت مبسوط نوشته شود، به نظر شما صحیح است؟

استاد انوار: نه؛ چرا که در چنین کارهایی بدون تردید اشتباه هم پیش می‌آید. چنانکه اغلاط بسیاری در کشف الظنون وجود دارد، ولی این اثر باید در دسترس باشد. حتی مرحوم قزوینی در اثر مهمی مانند لغتنامه دهخدا تا هزار مورد غلط را جایز دانسته‌اند. به هر حال اینکه بگوییم هر مجموعه‌ای باید فقط یک بار فهرست نویسی شود، تصویری غلط است و هر از گاهی با افزایش دانسته‌های ما در زمینه‌های متن‌شناسی و نسخه‌شناسی نیاز خواهد بود که در فهرس منتشره بازبینی شود. چنانکه خود ما نیز در فهرس کتابخانه ملی این کار را انجام دادیم.

رحیمی: جنابعالی متذکر شدید که بخشی از فهرست نویسی تجربی است. اما به هر حال مقدمات و پیش‌نیازهایی برای ورود به این کار وجود دارد که شخص باید پیش از ورود به این عرصه با آنها آشنا باشد. به نظر شما مهم‌ترین این مقدمات چه مواردی هستند؟

استاد: هر شخص برای ورود به فهرست نویسی در درجه اول باید عربی بداند و این شرط لازم برای این کار است. بعد هم باید نثرهای فارسی را خوانده باشد و آشنا باشد. بنده خودم هشتاد نثر فارسی را کاملاً خوانده‌ام که در صورت نیاز باید این موارد هم توضیح داده شود. همچنین باید پس از خواندن متون، راجع به مشکلات آنها هم بحث شود. مثلاً ما

با مرحوم زریاب خوئی که می‌دانید مرد بسیار فاضلی بود گاه در این زمینه‌ها گفتگو می‌کردیم.

خانم افکاری: با توجه به تجربه‌ای که شما در این کار دارید، به نظر شما چه میزان از فهرست نگاری از راه آموزش قابل انتقال است؛ یا اینکه چه بخش‌هایی از آن را می‌توان از راه آموزش به شاگرد منتقل کرد؟

استاد انوار: به نظر من قسمت‌های نسخه‌شناسی را زود می‌توان به شاگرد یاد داد ولی قسمت‌های اصلی مانند کتابشناسی را باید به او کمک کرد؛ بدینگونه که مدتی شاگرد باید کار بکند و نسخه‌ها را فهرست کند و استاد این کارها را ببیند و با نسخه‌ها مقایسه و بررسی کند و نواقص یا اشتباهات کار را بگوید. در این مورد هم البته موارد متعددی وجود دارد که باید به شاگرد آموزش داد و این شامل مواردی از قبیل نام کتاب، نام پدید آورنده، موضوع و محتویات کتاب و موارد دیگر می‌شود. شما در کتاب چاپی صفحه اول را که باز کنید نام کتاب را می‌بینید، ولی در یک نسخه خطی اینگونه نیست و گاه باید یک کتاب را به تمامی خواند تا شاید نشانی از نام کتاب یا مؤلف به دست آید و اینها مواردی است که نیاز به آشنایی و ممارست زیاد دارد و از این جهت هم هست که به نظر من نباید برای فهرست نویسی نسخه‌های خطی، هر کسی را که از راه رسید بپذیرند، چون اگر شخصی بی سواد وارد این کار شود آنوقت ارزش علمی کار را پائین می‌آورد.

گلباز: بله و اشتباهاتی هم که در یک فهرست وارد می‌شود، مورد استناد بسیاری افراد قرار می‌گیرد و این اشتباه در مواضع متعدد تکرار می‌شود.

استاد: این مطلب را که گفتید چیزی به خاطر آمد و آن اینکه مرحوم مینوی می‌گفتند تا جایی که می‌توانید در مورد نسخه مورد نظر بنویسید تا اگر نسخه‌ای از آن اثر در جای دیگر بود از روی نوشته شما این اثر هم شناخته شود، و راست هم می‌گفتند چرا که معرف در اصطلاح منطق یا اسم است یا تعریفات است که می‌دهیم و با آن اسم را می‌شناسیم.

و البته باید بگوییم که این کار هم تا ذوقی در کار نباشد ارزشی نخواهد داشت و اگر صفحه‌ای پانصد هزار تومان هم به فهرست نویسی بدهید، اگر به این کار علاقه نداشته باشد کارش سودمند نخواهد بود.